

اما حیا داشتند و متقابلاً افراد نسل‌های بالاتر تصور می‌کنند که اگر دخترها امروز طرز لباس پوشیدنشان اینگونه است دیگر آن حیا را ندارند، در صورتی که این‌ها هم حیا را دارند ولی باید با هم صحبت کنند تا همدیگر را متوجه شوند.

خانم حاتمی، همکاری با گروه برای شما چطور بود؟

حاتمی: در واقع چون قرار بود که کار در شهرستان فیلم برداری شود من مقداری ترس داشتم و نمی‌دانستم چطور است و آن شهرستان‌هایی که در آن فیلم برداری داشتیم را تا به حال در زندگی‌ام نرفته بودم و برخلاف ترسی

که اول کار داشتم واقعا یک گروه خیلی خیلی خوب و درجه یک و خوش‌انرژی در این کار تجربه کردم، واقعا می‌توانم بگویم نه کم حاشیه بلکه بی‌حاشیه و فضای کار پر از آرامش و تسلط بود. البته آقای خواجه پاشا در اصل در خلق این کاراکتر کمک ویژه‌ای به من کردند.

در این گفتگو و البته در نشست خبری بعد از اکران فیلم در جشنواره فجر هم به این موضوع اشاره کردید که عرق شخصی دارید نسبت به امام رضا (ع) و زمانی که این نقش به شما پیشنهاد شد و شما این نقش را در فیلمنامه خواندید، حس کردید که انگار برای شما فرستاده شده است. درباره

این موضوع برای ما توضیح می‌دهید؟

حاتمی: راحت بخواهم درباره این موضوع بگویم امام رضا (ع) را بخشی از خانواده‌ام می‌بینم و هیچ جایی هم راجع به این موضوع صحبت نکردم چون واقعا علاقه شخصی من به دور از هر گونه تاثیر از جایی است. این‌ها شعار نیست و من هیچ وقت به کسی هم نگفتم که تو باید فلان شخص را دوست داشته باشی چون کاملا علاقه شخصی بود و هست. من واقعا آدم عجولی هستم و همیشه آخر فیلمنامه‌ها را می‌روم و می‌خوانم چون دوست دارم آخرش را ببینم که چه می‌شود. زمانی که آخر فیلم‌نامه



هنر ایرانی قدمت و قامتی دارد که احساس می‌کنم برخی از فیلم‌های سینما در حال حاضر این قامت را تخریب می‌کنند، فراموش نکنید جایگاهی که سینمای ما در دنیا دارد حاصل تلاش فیلم‌هایی است که شاخصه‌های ایرانی و هویتی داشتند و به سینما انسانی نگاه کردند. این هنرمندان با آثارشان رفتند و برای ما در دنیا اعتبار به دست آوردند



وقتی فیلمنامه را گرفتیم و خواندم، آن را دوست داشتم و تصمیم به همکاری گرفتم. یکی از چالش‌هایم برای ایفای این نقش هم قطعاً اختلاف سنی‌ام با کاراکتری بود که در فیلم‌نامه نوشته شده بود. در عین حال خود این کاراکتر در زندگی شخصی‌اش چالش‌هایی داشت که مواجهه با آن‌ها برای من دشوار بود اما پذیرفتم و تلاش بیرون بیایم

«آبی روشن» را دیدم برای من خیلی موضوع ارزشمندی بود که کار مورد علاقه‌ام را پیش شخصی که واقعا دوستش دارم و ارادتمندش هستم، انجام بدهم یعنی محلی که به نام آن شخص است و این موضوع برای من کافی بود. البته این اثر نکات مثبت دیگری هم داشت و من موضوع فیلمنامه را بسیار دوست داشتم و یک موضوعی هم که آقای خواجه پاشا به آن اشاره کردند این است که در این فیلم ما زندگی عادی و روزمره را می‌بینیم. یعنی ما فقط اتفاق پشت اتفاق را نمی‌بینیم و در واقع زندگی حقیقی، قشنگی طبیعت و همه این‌ها جزو نکات مثبتی بود که به این فیلم علاقمند شدم و «آبی روشن» برخلاف ۹۰ درصد فیلم‌هایی که الان ساخته می‌شود، روزمره‌گی و جریان دارد و این موضوع برای من خیلی قشنگ است چون فکر می‌کنم باید واقعیت یک سری چیزها را ببینیم و دیگر نگوییم فیلم است، بلکه واقعیت زندگی روزمره ما است. شما در بدترین شرایط زندگی وقتی در آن جاده زیبا قرار بگیری، نگاهت به آن درخت‌ها و سرسبزی که می‌خورد در تمام آن مشکلات و درگیری‌ها هم که باشید، می‌گویید که اینجا چقدر زیبا است و تمام نکات در فیلم‌نامه لحاظ شده بود. با وجود تمام آن درگیری‌ها تمام آن مشغله‌های فکری ما کاملاً زیبایی را می‌دیدیم و همین‌طور حس نوجوانی و مادری را حس می‌کردیم و متقابلاً حسی که در یک آدم مذهبی وجود داشت که هم برایش جالب بود و سعی می‌کرد به رفتار و اخلاق خودش پایبند باشد؛ همه این‌ها را که می‌دیدم و متوجه می‌شدم تمام عواطف در من وجود دارد و کار در واقع به سلیقه من بسیار نزدیک بود.

حس مادرانه حسی است که تاکنون در زندگی واقعی با آن درگیر نبوده‌ای، ارتباط گرفتن با این نقش در مقام یک مادر به چه صورت بود و چطور توانستی به این حس نزدیک شوی؟

حاتمی: به صورت کلی من شخصیت والد قوی‌ای دارم، یعنی تست شخصیت دادم و یک نمره بالا در این زمینه گرفتم. من نسبت به دوستانم، برادرم و حتی افراد بزرگ‌تر از خودم و حتی مادرم هم احساس مادرانه دارم و در زندگی شخصی تلفن همراهم هرگز خاموش نمی‌شود و تمام اطرافیانم می‌دانند که ۴ صبح هم می‌توانند زنگ بزنند و من را بیدار کنند و اگه مشکلی دارند کمک‌شان کنم، حرف بزنند و... چون ترجیح می‌دهم اول آن‌ها راحت بخوابند و بعد من بخوابم، حتی افراد غریبه هم اگه جلوی راهم قرار بگیرند باز هم من این احساس والد را نسبت به آن‌ها دارم. قطعاً که آن حس مادر به فرزند در چنین شرایطی خیلی چیز عجیب‌تری است چرا که هنوز کودک به دنیا نیامده اما یک حسی است که در وجود خودت شکل گرفته و این‌ها باعث می‌شد که یک بخش از این احساس والد بودن یک قسمت‌هایی پررنگ‌تر و یک قسمت‌هایی کم‌رنگ‌تر باشد، اما به دور از ذهن نبود. همان‌طور که گفتم وقتی